

بسم الله الرحمن الرحيم

ابهاماتی در ارتباط به شناخت موقف بین‌المللی

(ترجمه)

برخی در ارتباط براین‌که در صورت ایجاد تغییر در موقف بین‌المللی، جهان در چه وضعیتی قرار خواهد داشت، چنین پرسش‌هایی را مطرح می‌سازند: آیا امریکا از لحاظ استراتژیک دچار خساراتی نخواهد شد؟ آیا امریکا از لحاظ اقتصادی و فرهنگی ضعیف خواهد شد؟ آیا امریکا از مفکوره حاکمیت بر جهان عقب‌نشینی خواهد کرد؟ آن‌هم پس از این‌که در دوران محافظه‌کاران نوینش از تطبیق آن عاجز بوده است.

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ناگزیر باید بر قسمت مهم از شناخت موقف بین‌المللی تمرکز نمود و آن این‌که موقف بین‌المللی به مفهوم مزاحمت دولت‌های بزرگ برای دولت اول جهان بر سر مرکزیت آن می‌باشد. اگر بر این مفهوم اندکی تعمق صورت گیرد، چند نکته مهم و مشخصی را خواهیم دانست:

1. طبعاً نسبت به دولت اول جهان شناخت وجود دارد، زیرا بقیه دولت‌های بزرگ برایش مزاحمت ایجاد می‌نمایند، مانند دولت کنونی امریکا که دولت اول جهان می‌باشد. ایجاد دولت اول در جهان یک پدیده جدیدی نیست. مصر در گذشته دولت اول جهان بود و دولت آشور در عراق برایش در این زمینه مزاحمت ایجاد می‌نمود. دولت روم دولت اول جهان بود، دولت فارس برایش در این زمینه مزاحمت می‌نمود. دولت خلافت از دوران خلفای راشدین تا جنگ‌های صلیبی دولت اول جهان بود، اما هیچ مزاحمی تا آن زمان نداشت. دولت عثمانی به عنوان دولت اسلامی خلافت، به مدت سه قرن دولت اول جهان بود و تا نیم قرن شانزدهم میلادی هیچ مزاحمی نداشت. پیش از جنگ جهانی اول آلمان دولت اول جهان بود، انگلیس و فرانسه برایش در این زمینه مزاحمت می‌نمودند. پس از جنگ جهانی اول انگلیس دولت اول جهان بود. دولت فرانسه برایش در این زمینه مزاحمت می‌نمود و همانگونه تا اندکی پیش از جنگ جهانی دوم آلمان برایش در این زمینه مزاحمت می‌نمود و نزدیک بود که آلمان بار دیگر دولت اول جهان شود؛ اما جنگ جهانی دوم شروع شد. امریکا وارد این جنگ شده و پس از پایان جنگ در ترسیم و تأثیر گذاری بالای سیاست بین‌المللی و موقف بین‌المللی داشت، تبدیل به قدرت اول جهان شد، طوری که در کشاندن سیاست‌های بین‌المللی به سمت خودش، تواناترین دولت بود، موقف بین‌المللی را در کنترل خود در آورد و هیچ قراری به امضاء نخواهد رسید و هیچ قضیه‌ای رقم نخواهد خورد؛ مگر به خواست امریکا. اما با این‌هم اتحاد شوروی آن زمان، انگلیس و فرانسه همواره تلاش داشتند تا برایش در این زمینه مزاحمت ایجاد نمایند و تاجایی در تأثیرگذاری بالای سیاست بین‌المللی با آن سهیم بودند، هر یک بر حسب توان و قدرت خویش، اتحاد شوروی تأثیر قوی‌تری داشت و انگلیس ضعیف‌تر.

2. موقف بین‌المللی به گونه آهسته تغییر می‌کند، یعنی شاید در یک قرن یک الی دو و یا سه مرتبه و یا کم و بیش تغییر کند. بنابر این برای دستیابی به آگاهی سیاسی نسبت به موقف بین‌المللی پیش‌روی، باید همواره موقف بین‌المللی را دنبال کرده، حوادث و وقایع مربوط به آن را نیز زیر نظر داشت، زیرا در غیر آن دولت‌ها و سیاسیون از شناخت جهان و تأثیر بر آن بسیار بدور خواهند بود.

3. برخی از حوادث جدیدی در ارتباط به موقف بین‌المللی به وقوع پیوسته و برای دنبال کننده آن روشن می‌سازد که موقف بین‌المللی در چند سال آینده تغییر خواهد کرد. حال شاید این تغییر 5 سال و 10 سال و یا چند سال بعد ایجاد شود، اما به هر حال در این که این تغییر آمدنی می‌باشد، شکی نیست. تنها چیزی که مبهم است طبعاً زمان وقوع آن می‌باشد. با این حال پیش از این که دولت اول جهان به عنوان دولت اول جهان از جایگاهش پایین کشانده شده و دولت دیگری جای آن را بگیرد، گفته نمی‌شود که موقف بین‌المللی تغییر یافته است؛ بلکه در این صورت گفته می‌شود که دولت اول جهان ثباتش را از دست داده است، اقتدار دولت اول ضعیف شده است، یا گفته می‌شود که موقف بین‌المللی حتماً تغییر خواهد کرد، اما چه زمانی؛ طبعاً کسی نخواهد دانست. بنابر این اکنون نیز باید گفت که موقف بین‌المللی هنوز تغییر نکرده است، زیرا دولت اول هنوز دولت اول جهان بوده و با وجود ضعف و انزوایی که دچار آن شده، دولت دیگری جایگاه آن را نگرفته است؛ چون در میان تغییر موقف بین‌المللی و بی‌ثباتی دولت اول جهان تفاوت زیادی وجود دارد.

چیزی که دولت اول جهان را در بی‌ثباتی قرار می‌دهد، موارد زیادی می‌باشد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ایجاد پیمان‌های سیاسی یا اقتصادی سازمان‌هایی که تمام و یا برخی از دولت‌های بزرگ و مزاحم دولت اول جهان را در گرد خود آورده است؛ مانند سازمان همکاری‌های شانگهای و اتحادیه اروپا. رقابت یک پول جدید با پول دولت اول جهان یک نشانه‌ای مورد توجه و یک عامل جدید و فعال از عوامل بی‌ثبات کننده دولت اول می‌باشد، مانند یورو. ضعف اقتصادی و فرهنگی دولت اول جهان به دلیل اقدامات و سیاست‌های اشتباه اقتصادی آن، مانند وضعیت کنونی آمریکا که بازارهای آن بر توهم مبتنی بوده، تأمین کننده و انبار واقعی ندارند. هم‌چنین یکی از مواردی است که دولت اول جهان را در بی‌ثباتی قرار می‌دهد و همان‌طور پیشی گرفتن یک دولت در یک میدان مشخص از دولت اول جهان، مانند برتری چین بر آمریکا در برخی از میدان‌های کسب درآمد و قرار گرفتن آن به جای آمریکا در این میدان؛ چون حوزه تکنالوژی G5 و غیر آن.

این مثال‌ها وقایع جدید و مهمی می‌باشند که به صورت واضح و روشن دلالت بر این دارند که موقف بین‌المللی به زودی تغییر خواهد کرد، زیرا موقف بین‌المللی به شدت در بی‌ثباتی قرار داشته و در حال عقب نشینی می‌باشد. اما تنها پرسشی که هنوز بی‌پاسخ مانده این است که موقف بین‌المللی برای مصلحت چه کسی تغییر خواهد یافت؟ در این ارتباط باید گفت: این به قدرت و فعالیت دولت‌های رقیب و مزاحم دولت اول جهان بستگی دارد. دولتی که در جایگاه دولت اول قرار می‌گیرد، باید در بیشتر میدان‌های مرتبط به پایان کشیدن دولت اول از جایگاه آن، از دولت‌های دیگر پیشی گرفته و در این میدان از آمادگی و قدرت برتری برخوردار باشد.

به همین دلیل در حال حاضر گفته نمی‌توان که موقف بین‌المللی تغییر یافته است، زیرا آمریکا تا هنوز دولت اول جهان است. اما می‌توان گفت که آمریکا در جهان کنونی به سبب ضعفی که به عوامل و دلایل زیادی عاید حال آن شده، در وضعیت بی‌ثباتی قرار دارد. می‌توان گفت که موقف بین‌المللی حتماً تغییر خواهد کرد؛ اما نیازمند زمان است. اگر دولتی آمد و قدرت‌اش را در برابر ضعف آمریکا نمایان ساخت و یا اگر کدام پیمان سیاسی جدی در میان دولت‌های بزرگ به وقوع پیوست، در آن صورت دور شدن آمریکا از جایگاه آن بی‌مورد نبوده و می‌توان گفت که موقف بین‌المللی تغییر یافته است.

نویسنده: دکتر فرج ممدوح

مترجم: علی مطمئن